



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

لیست کامل وسایل آشپزخانه به انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۱۱۳ بازدید | ۱۴۰۴/۱۱/۱۱



The graphic features a light blue background with a kitchen scene. On the left, four kitchen utensils (spoon, whisk, spatula, and ladle) hang from a wooden rack. In the center, a black frying pan sits on a stove with a flame, containing a brown sauce with green herbs. To the right of the pan are a cutting board with a knife, a bowl of red tomatoes, and several bottles of oil and vinegar. On the far right, a wooden cabinet is partially visible. The text 'لیست کامل وسایل آشپزخانه به انگلیسی' is written in large black font at the top, followed by 'Kitchen Vocabulary in English' in a smaller font. Below that, 'مثال و ترجمه' is written with a pink plus sign. The Zaban Master logo is in the bottom right corner, and 'zabanmaster.com' is in the bottom left corner.

یادگیری وسایل آشپزخانه به انگلیسی یکی از ضروری‌ترین بخش‌های مکالمه روزمره است. از آشپزی در خانه گرفته تا سفر، مهاجرت یا کار در رستوران، این واژگان همیشه به کارتان می‌آیند. در این مقاله از **آموزش زبان انگلیسی**، مهم‌ترین ابزارها و لوازم آشپزخانه را به صورت دسته‌بندی شده، همراه با معنی فارسی و جمله‌های کاربردی واقعی یاد می‌گیرید تا بتوانید آن‌ها را راحت در مکالمه استفاده کنید.

وسایل پخت‌وپز به انگلیسی

اولین بخش از وسایل آشپزخانه به انگلیسی با ترجمه فارسی، وسایلی هستند که مهم‌ترین کار در آشپزخانه را با آنها انجام می‌دهیم؛ پخت و پز:

cookware

ظروف پخت‌وپز (مجموعه قابلمه‌ها و تابه‌ها)

This store sells high-quality **cookware** for home chefs.

این فروشگاه ظروف پخت‌وپز باکیفیت برای آشپزهای خانگی می‌فروشد.

frying pan

ماهیتابه

I cooked the eggs in the **frying pan**.

من تخم‌مرغ‌ها را در ماهیتابه پختم.

pot

قابلمه

The soup is boiling in the **pot**.

سوپ داخل قابلمه در حال جوشیدن است.

saucepan

شیرجوش / قابلمه کوچک دسته‌دار

She warmed the milk in a **saucepan**.

او شیر را در یک شیرجوش گرم کرد.

wok

ووک / تابه گود چینی

They stir-fried the vegetables in a **wok**.

آن‌ها سبزیجات را در ووک تفت دادند.

pressure cooker

زودپز

The beans cook faster in a **pressure cooker**.

لوبیاها در زودپز سریع‌تر می‌پزند.

steamer

بخارپز

We use a **steamer** to cook healthy meals.

ما از بخارپز برای پخت غذای سالم استفاده می‌کنیم.

baking tray

سینی فر

Put the cookies on the **baking tray**.

کلوچه‌ها را روی سینی فر بگذار.

grill pan

تابه گریل

He grilled the chicken on the **grill pan**.

او مرغ را روی تابه گریل کباب کرد.

skillet

تابه چدنی

The steak tastes better in a **skillet**.

استیک در تابه چدنی خوشمزه تر می شود.

Dutch oven

قابلمه ضخیم چدنی

She baked bread in a **Dutch oven**.

او نان را در قابلمه چدنی پخت.

casserole dish

ظرف مخصوص فر / ظرف کاسرول

We made lasagna in a **casserole dish**.

ما لازانیا را در ظرف مخصوص فر درست کردیم.

lid

در قابلمه

Cover the rice with the **lid**.

روی برنج را با در قابلمه بپوشان.

roasting pan

ظرف بریان‌پزی / ماهیتابه برشته‌کاری / ماهیتابه رُست

They roasted the turkey in a **roasting pan**.

آن‌ها بوقلمون را در ظرف بریان‌پزی کباب کردند.

kettle

کتری

The **kettle** is whistling on the stove.

کتری روی اجاق در حال سوت کشیدن است.

double boiler

قابلمه بن‌ماری

Chocolate melts gently in a **double boiler**.

شکلات در قابلمه بن‌ماری به آرامی ذوب می‌شود.

بیشتر بخوانید: [غذاها به انگلیسی](#)

ابزار برش و آماده‌سازی

cutting and prep Tools

ابزارهای برش و آماده‌سازی غذا

Good **cutting and prep tools** make cooking faster and safer.

ابزارهای خوب برش و آماده‌سازی، آشپزی را سریع‌تر و ایمن‌تر می‌کنند.

knife

چاقو

Be careful with the **knife** while chopping onions.

هنگام خرد کردن پیاز مراقب چاقو باش.

chef's knife

چاقوی سرآشپز

A **chef's knife** is perfect for slicing meat.

چاقوی سرآشپز برای برش گوشت عالی است.

cutting board

تخته برش

Place the tomatoes on the **cutting board**.

گوجه‌ها را روی تخته برش بگذار.

peeler

پوست‌کن

Use a **peeler** to remove the potato skin.

از پوست‌کن برای جدا کردن پوست سیب‌زمینی استفاده کن.

grater

رنده

She **grated** the cheese with a **grater**.

او پنیر را با رنده ریز کرد.

chopper

خردکن

The **chopper** saves time when cutting vegetables.

خردکن هنگام خرد کردن سبزیجات در زمان صرفه جویی می‌کند.

slicer

ورقه‌کن

This **slicer** makes thin slices of cucumber.

این ورقه‌کن برش‌های نازک از خیار ایجاد می‌کند.

kitchen shears

قیچی آشپزخانه

Kitchen shears are useful for cutting herbs.

قیچی آشپزخانه برای بریدن سبزیجات معطر مفید است.

can opener

دربازکن قوطی

He opened the tuna with a **can opener**.

او کنسرو ماهی را با دربازکن باز کرد.

garlic press

سیر له کن

Put the garlic into the **garlic press**.

سیر را داخل سیر له کن بگذار.

mortar

هاون

They crushed the spices in a **mortar**.

آن‌ها ادویه‌ها را در هاون کوبیدند.

pestle

دسته هاون

Use the **pestle** to grind the seeds.

از دسته هاون برای آسیاب کردن دانه‌ها استفاده کن.

mixing bowl

کاسه مخلوط کردن / کاسه مخلوط کن / کاسه بزرگ

Combine the ingredients in a **mixing bowl**.

مواد را در کاسه مخلوط کردن ترکیب کن.

colander

آبکش

Drain the pasta in a **colander**.

ماکارونی را در آبکش خالی کن.

strainer

صافی

Pour the tea through a **strainer**.

چای را از صافی رد کن.

بیشتر بخوانید: میوه‌ها و سبزیجات به انگلیسی

وسایل دستی آشپزی

توجه کنید که در این بخش و بقیه بخش‌ها وسایل آشپزخانه به انگلیسی صوتی هستند و می‌توانید تلفظ کلمات و جملات را با استفاده از آیکون بلندگو بشنوید:

kitchen utensils

ابزارهای دستی آشپزی (قاشق‌ها و وسایل کوچک)

Basic **kitchen utensils** help you cook more comfortably.

ابزارهای دستی پایه آشپزخانه به شما کمک می‌کنند راحت‌تر آشپزی کنید.

spoon

قاشق

Add some sugar with a **spoon**.

با یک قاشق کمی شکر اضافه کن.

wooden spoon

قاشق چوبی

Stir the soup with a **wooden spoon**.

سوپ را با قاشق چوبی هم بزن.

spatula

کفگیر / لیسک

Flip the pancake using a **spatula**.

پنکیک را با کفگیر برگردان.

ladle

ملاقه

Serve the stew with a **ladle**.

خورش را با ملاقه سرو کن.

whisk

همزن دستی

Beat the eggs with a **whisk**.

تخم مرغ ها را با همزن دستی هم بزن.

tongs

انبر آشپزی

Use **tongs** to pick up the hot meat.

برای برداشتن گوشت داغ از انبر استفاده کن.

turner

کفگیر تخت

Slide the **turner** under the fish carefully.

کفگیر تخت را با دقت زیر ماهی ببر.

skimmer

کفگیر سوراخ‌دار

Remove the foam with a **skimmer**.

کف روی غذا را با کفگیر سوراخ‌دار بردار.

rolling pin

وردنه

She flattened the dough with a **rolling pin**.

او خمیر را با وردنه صاف کرد.

measuring cup

پیمانه اندازه‌گیری

Pour one cup of milk into the **measuring cup**.

یک پیمانه شیر داخل پیمانه اندازه‌گیری بریز.

measuring spoon

قاشق اندازه‌گیری

Add a teaspoon of salt with a **measuring spoon**.

با قاشق اندازه‌گیری یک قاشق چای خوری نمک اضافه کن.

timer

تایمر آشپزخانه

Set the **timer** for ten minutes.

تایمر را روی ده دقیقه تنظیم کن.

apron

پیش‌بند

Wear an **apron** to keep your clothes clean.

برای تمیز ماندن لباس‌ها پیش‌بند بپوش.

oven mitt

دستکش فر

Take the dish out with an **oven mitt**.

ظرف را با دستکش فر بیرون بیاور.

trivet

زیرقابلمه‌ای

Put the hot pot on the **trivet**.

قابلمه داغ را روی زیرقابلمه‌ای بگذار.

بیشتر بخوانید: لغات خانه به انگلیسی

لوازم برقی آشپزخانه

kitchen appliances

لوازم برقی آشپزخانه

Modern **kitchen appliances** save time and energy when cooking.

لوازم برقی مدرن آشپزخانه هنگام آشپزی در زمان و انرژی صرفه جویی می کنند.

refrigerator

یخچال

Store the vegetables in the **refrigerator**.

سبزیجات را داخل یخچال نگهداری کن.

freezer

فریزر

We keep frozen food in the **freezer**.

ما غذای منجمد را در فریزر نگه می داریم.

microwave

مایکروویو

Heat the leftovers in the **microwave**.

غذای باقی مانده را در مایکروویو گرم کن.

oven

فر

Bake the cake in the **oven** at ۱۸۰ degrees.

کیک را در فر با دمای ۱۸۰ درجه پیز.

stove

اجاق گاز

The soup is cooking on the **stove**.

سوپ روی اجاق گاز در حال پختن است.

toaster

توستر

Put the bread in the **toaster** for breakfast.

نان را برای صبحانه داخل توستر بگذار.

blender

مخلوط‌کن

She made a smoothie with the **blender**.

او با مخلوط‌کن اسموتی درست کرد.

mixer

همزن برقی

The **mixer** helps combine the dough quickly.

همزن برقی کمک می‌کند خمیر سریع‌تر ترکیب شود.

food processor

غذاساز

A **food processor** can chop onions in seconds.

غذاساز می‌تواند پیاز را در چند ثانیه خرد کند.

dishwasher

ماشین ظرف‌شویی

Load the plates into the **dishwasher**.

بشقاب‌ها را داخل ماشین ظرف‌شویی بگذار.

coffee maker

قهوه‌ساز

The **coffee maker** starts automatically in the morning.

قهوه‌ساز صبح‌ها به‌طور خودکار شروع به کار می‌کند.

electric kettle

کتری برقی

Boil some water in the **electric kettle**.

کمی آب را در کتری برقی بجوشان.

rice cooker

پلوپز

This **rice cooker** makes perfect rice every time.

این پلوپز هر بار برنج عالی درست می کند.

air fryer

سرخ کن بدون روغن

Cook the fries in the **air fryer** for a healthier meal.

سیب زمینی ها را در سرخ کن بدون روغن (ایر فرایر) پیز تا غذای سالم تری داشته باشی.

slow cooker

آرام پز

She left the soup in the **slow cooker** all day.

او سوپ را تمام روز داخل آرام‌پز گذاشت.

بیشتر بخوانید: لیست کامل ابزارها به انگلیسی

ظروف نگهداری و سرو غذا

storage and serving items

وسایل نگهداری و سرو غذا

Storage and serving items keep food fresh and easy to serve.

وسایل نگهداری و سرو غذا باعث می‌شوند غذا تازه بماند و راحت‌تر سرو شود.

container

ظرف نگهداری

Put the rice in a **container** for later.

برنج را برای بعداً داخل یک ظرف نگهداری بگذار.

lidless jar

شیشه بدون در

She stored the beans in a **lidless jar**.

او لوبیاهای را در یک شیشه بدون در نگه داشت.

lunch box

ظرف غذای قابل حمل

He takes his **lunch box** to work every day.

او هر روز ظرف غذایش را با خود به محل کار می برد.

plate

بشقاب

Serve the salad on a clean **plate**.

سالاد را در یک بشقاب تمیز سرو کن.

bowl

کاسه

Pour the soup into a **bowl**.

سوپ را داخل یک کاسه بریز.

tray

سینی

Carry the drinks on a **tray**.

نوشیدنی‌ها را روی یک سینی حمل کن.

pitcher

پارچ

Fill the **pitcher** with cold water.

پارچ را با آب سرد پر کن.

mug

لیوان دسته‌دار

He drank hot chocolate from a **mug**.

او شکلات داغ را از یک لیوان دسته‌دار نوشید.

glass

لیوان شیشه‌ای

She poured juice into a **glass**.

او آبمیوه را داخل یک لیوان شیشه‌ای ریخت.

bottle

بطری

Keep the milk in a sealed **bottle**.

شیر را در یک بطری دربسته نگه دار.

thermos

فلاسک

The **thermos** keeps tea warm for hours.

فلاسک چای را ساعت‌ها گرم نگه می‌دارد.

food wrap

سلفون غذا

Cover the bowl with **food wrap**.

کاسه را با سلفون غذا بپوشان.

aluminum foil

فویل آلومینیومی

Wrap the sandwich in **aluminum foil**.

ساندویچ را در فویل آلومینیومی بپیچ.

napkin

دستمال سفره

Take a **napkin** before you start eating.

قبل از شروع غذا خوردن یک دستمال بردار.

serving platter

دیس سرو

Place the chicken on the **serving platter**.

مرغ را روی دیس سرو قرار بده.

وسایل نظافت آشپزخانه

cleaning tools and supplies

ابزارها و مواد نظافت آشپزخانه

Cleaning tools and supplies help keep the kitchen hygienic and safe.

وسایل و مواد نظافت آشپزخانه کمک می‌کنند آشپزخانه بهداشتی و ایمن بماند.

sponge

اسفنج

Wash the dishes with a **sponge**.

ظرف‌ها را با اسفنج بشوی.

dishcloth

دستمال ظرف‌شویی

Wipe the counter with a **dishcloth**.

پیشخوان را با دستمال ظرف‌شویی پاک کن.

towel

حوله / دستمال خشک‌کن

Dry your hands with a **towel**.

دست‌هایت را با حوله خشک کن.

detergent

مایع شوینده

Add some **detergent** to the water.

کمی مایع شوینده به آب اضافه کن.

scrub brush

فرچه زبر

Use a **scrub brush** for tough stains.

برای لکه‌های سخت از فرچه زبر استفاده کن.

gloves

دستکش

Wear **gloves** to protect your skin.

برای محافظت از پوستت دستکش بپوش.

trash can

سطل زباله

Throw the waste into the **trash can**.

زباله‌ها را داخل سطل زباله بینداز.

Trash bag

کیسه زباله

Replace the full **trash bag**.

کیسه زباله پر را عوض کن.

dish rack

آبچکان

Place the plates on the **dish rack**.

بشقاب‌ها را روی آبچکان بگذار.

broom

جارو

Sweep the floor with a **broom**.

زمین را با جارو تمیز کن.

dustpan

خاک انداز

Collect the dirt using a **dustpan**.

گرد و خاک را با خاک انداز جمع کن.

mop

تی

Mop the tiles after dinner.

بعد از شام کاشی ها را تی بکش.

bucket

سطل

Fill the **bucket** with warm water.

سطل را با آب گرم پر کن.

spray bottle

بطری اسپری

Spray the cleaner from the **spray bottle**.

مایع تمیزکننده را با بطری اسپری پاش.

paper towel

دستمال کاغذی

Use a **paper towel** to dry the table.

برای خشک کردن میز از دستمال کاغذی استفاده کن.

بیشتر بخوانید: [کلمات رایج انگلیسی](#)

جملات کاربردی انگلیسی در آشپزخانه

Where is the frying pan?

ماهیتابه کجاست؟

The water is boiling in the pot.

آب داخل قابلمه در حال جوشیدن است.

Cut the carrots on the cutting board.

هویج‌ها را روی تخته برش خرد کن.

Pass me the knife, please.

لطفاً چاقو را بده به من.

Peel the apples before cooking them.

قبل از پختن، سیب‌ها را پوست بگیر.

Stir the soup slowly.

سوپ را آرام هم بزن.

Don't touch the oven, it's hot.

به فر دست نزن، داغ است.

Put the food in the refrigerator.

غذا را داخل یخچال بگذار.

Heat it in the microwave for two minutes.

آن را دو دقیقه در مایکروویو گرم کن.

Turn off the stove, please.

لطفا اجاق را خاموش کن.

Wash the dishes after dinner.

بعد از شام ظرف‌ها را بشوی.

The sink is full of dirty plates.

سینک پر از بشقاب‌های کثیف است.

Dry the glasses with a towel.

لیوان‌ها را با حوله خشک کن.

Take the trash out.

زباله‌ها را بیرون ببر.

Open the window, it smells bad.

پنجره را باز کن، بوی بد می‌دهد.

Slice the bread carefully.

نان را با دقت برش بزن.

Mix everything in a bowl.

همه چیز را داخل یک کاسه مخلوط کن.

Set the timer for ten minutes.

تایمر را روی ده دقیقه تنظیم کن.

The kettle is ready.

کتری آماده است.

Make me a cup of tea.

برای من یک فنجان چای درست کن.

This knife is very sharp.

این چاقو خیلی تیز است.

The freezer is completely full.

فریزر کاملاً پر است.

Close the lid tightly.

در ظرف را محکم ببند.

The dishwasher is running.

ماشین ظرفشویی در حال کار کردن است.

Clean the counter before cooking.

قبل از آشپزی پیشخوان را تمیز کن.

Don't forget your apron.

پیش‌بندت را فراموش نکن.

Pour the milk into the mug.

شیر را داخل لیوان دسته‌دار بریز.

Carry the tray carefully.

سینی را با دقت حمل کن.

The rice cooker is almost done.

پلوپز تقریباً کارش تمام شده.

Let's cook dinner together.

بیایید با هم شام پیزیم.

جمع بندی وسایل آشپزخانه به انگلیسی

در این مقاله با مهم‌ترین وسایل آشپزخانه به انگلیسی آشنا شدید؛ از ابزارهای پخت‌وپز و برش گرفته تا لوازم برقی، ظروف نگهداری و وسایل نظافت. همه واژگان همراه با معنی فارسی و جمله‌های کاربردی واقعی ارائه شدند تا بتوانید آن‌ها را مستقیماً در مکالمه روزمره استفاده کنید. با یادگیری این کلمات، صحبت کردن درباره آشپزی، خانه و زندگی روزمره برایتان بسیار طبیعی‌تر و راحت‌تر می‌شود.

سوالات متداول

وسایل آشپزخانه به انگلیسی چی میشه؟

به طور کلی می توان گفت **kitchen tools** یا **kitchen equipment**.

تفاوت pot و pan چیه؟

Pot برای غذاهای آبدکی مثل سوپ و برنج استفاده می شود، اما **pan** بیشتر برای سرخ کردن و تفت دادن کاربرد دارد.

تفاوت oven و stove چیست؟

Oven برای پخت داخل فر است، ولی **stove** برای پخت و پز روی شعله یا سطح اجاق استفاده می شود.

مهم ترین کلمات آشپزخانه برای مبتدی ها کدام اند؟

کلماتی مثل **knife, spoon, plate, fridge, oven, sink** از ضروری ترین واژگان هستند.

چطور این واژگان را سریع تر یاد بگیریم؟

بهترین روش، استفاده از آن ها در جمله سازی، مکالمه روزمره و تمرین با صدای بلند است، نه فقط حفظ کردن لیست کلمات.